اخبار

حامد کمیلی مقابل دوربین «گیلدا» رفت

حامد کمیلی که این روزها فیلم «سیانور» را در حال اکران دارد، به گروه بازیگران «گیلدا» جدیدترین ساخته مشترک کیوان علیمحمدی و امید بنکدار پیوست. به گزارش فارس،فیلمبرداری فیلم سینمایی «گیلدا» ساخته مشترک کیوان علیمحمدی و امید بنکدار در شرایطی ادامه دارد که این شب‌ها به طور فشرده در لوکیشنی واقع در خیابان جردن تهران مشغول فیلمبرداری این فیلم هستند و تدوین آن نیز به صورت همزمان توسط سیاوش پورخلیلی، کیوان علیمحمدی و امید بنکدار در حال انجام است تا اولین پخش این فیلم در سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر باشد.

■■■

«مثبت یک»؛ ویژه برنامه شب یلدا

علی ضیا اجرای ویژه برنامه شب یلدای شبکه را برعهده دارد و در این برنامه از ۴-۳ کار موسیقی جدید رونمایی می‌شود. به گزارش تسنیم، سیدعلی ضیا در پایان ویژه‌برنامه «فرمول یک»، درباره ویژه‌برنامه شب یلدای شبکه یک گفت: «مثبت یک» عنوان این برنامه است که به دلیل یک دقیقه بلندتر بودن شب یلدا و تولید آن برای شبکه یک، این اسم را برایش انتخاب کرده‌ایم. در این برنامه در فضای موسیقی از ۴-۳ کار جدید رونمایی خواهیم کرد.

■■■

انتشار «شب ناسور» ابراهیم حسن‌بیگی

ابراهیم حسن‌بیگی تازه‌ترین رمان خود را با عنوان «شب ناسور» و با موضوع انقلاب اسلامی منتشر کرد. به گزارش مهر، «شب ناسور» تازه‌ترین رمان ابراهیم حسن بیگی که اثری در گونه رمان انقلاب اسلامی است و زمان وقوع آن به سال‌های قبل از انقلاب و ماه‌های اول پیروزی انقلاب بازمی‌گردد، منتشر شد. ابراهیم حسن‌بیگی با اشاره به اینکه مبارزات انقلابیون در آن سال‌ها و نقش ساواک در دستگیری و شکنجه آنها محور این رمان است، عنوان کرد: موضوع انقلاب اسلامی و نگرانی از فراموش شدن مبارزات انقلابی همیشه دغدغه نویسندگان نسل انقلاب بوده و هست. کم‌کاری ما در نوشتن رمان انقلاب ۲ دهه‌ای است که وجود دارد. حسن‌بیگی ادامه داد: من با نوشتن رمان شب ناسور انگشت روی پاشنه‌آشیل رژیم شاه یعنی ساواک گذاشته‌ام که نقش آن در مبارزه با انقلابیون و حتی سقوط رژیم گذشته را نباید نادیده گرفت. رمان شب ناسور گوشه‌ای از ساختار مخوف ساواک را به تصویر می‌کشد.

■■■

آخرین وضعیت «احمد عزیزی» در آی‌سی‌یو

زینب عزیزی خواهر شاعر پیشکسوت «احمد عزیزی» پیرامون آخرین وضعیت این شاعر اظهار داشت: سطح هوشیاری احمد هنوز مانند گذشته بین ۱۰ و ۱۱ است و بالا نرفته اما از نظر ضربان قلب، تنفس، ریه، کبد، کلیه و... مشکلی ندارد و می‌توان عنوان کرد که از سلامت جسمی تا حدودی برخوردار است. به گزارش فارس، به گفته وی، احمد عزیزی در حال حاضر در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان امام رضا(ع) کرمانشاه بستری است اما یکی از موضوعات مورد اعتنا تنگی تراشه است. وی در توضیح این مساله افزود: ۲ ماه پس از آغاز بیماری احمد و جدا شدن از دستگاه تنفس، تراشه گذاشته شد اما کمی بعد ایجاد تنگی کرد. پس از آن به مدت ۲ ماه به تهران منتقل شد تا جراحی صورت گیرد اما پزشک معالج تشخصی را بر عدم جراحی داد و دلیل آن را هم نرسیدن هوشیاری وی به حداقل‌ها برای انجام این عمل دانست. خواهر احمد عزیزی ادامه داد: ممکن است هر لحظه احمد نیاز به دستگاه تنفس داشته باشد از این رو فعلا تا رسیدن هوشیاری به میزان لازم جراحی صورت نخواهد گرفت.

■■■

درگذشت کارگردان «من ناصر حجازی هستم»

نیما طباطبایی، کارگردان مستند «من ناصر حجازی هستم» صبح دیروز بعد از ۵ ماه که در بیمارستان بستری بود و به‌دنبال ۳ روز بیهوشی درگذشت و ساعت ۸ صبح پزشکان خبر فوت وی را اعلام کردند. به گزارش فارس، رویا تیموریان در ارتباط با اعلام خبر درگذشت خواهرزاده‌اش گفت: وی در ابتدا به دلیل تومری که داشت بستری شد و در ادامه ریه‌های نیما دچار مشکل شد. پزشکان بیمارستان ایرانمهر بسیار زحمت کشیدند و از طرف خانواده آن مرحوم، از همه آنها ممنون هستیم. مراسم تشییع وی نیز با هماهنگی‌هایی که در حال انجام است اعلام خواهد شد.

نوشته‌هایی کوتاه درباره یتیم‌خانه ایران

علیه تهرانِ سانتی مانتال

گروه فرهنگ و هنر: «یتیم‌خانه ایران»، آخرین ساخته ابوالقاسم طالبی فیلمی به غایت ملی و میهنی است که تازه تازه شناخته می‌شود. مردم نه با عینک یک منتقد بی‌رحم و نه با نگاه تنگ‌نظرانه یک عنصر سیاسی بلکه به چشم یک مخاطب ایرانی به دیدن آن می‌نشینند. در این میان حتی با تعداد کم سالن و ضعف‌های تبلیغاتی در میان فعالان فرهنگی، به نظر می‌رسد، یتیم‌خانه ایران بیش از اتفاقی که این روزها برایش افتاده، دیده خواهد شد. به گزارش «وطن امروز»، وجوه مختلف فیلم سینمایی یتیم‌خانه ایران قابل توجه، نقد و بررسی است. از سوژه، کارگردانی، فیلمنامه، طراحی صحنه و... موضوعاتی هستند که درباره این فیلم قابل توجه و بااهمیتند و درباره آنها می‌توان سخن گفت. سایت «هفت‌راه» بتازگی با پرداخت پرونده‌ای به فیلم‌های سینمایی، نقدها و نوشته‌های کوتاهی درباره آنها منتشر می‌کند. در تازه‌ترین پرونده از این مجموعه به یتیم‌خانه ایران پرداخته شده و درباره وجوه مختلف آن بحث شده است.

■ **تهران قدیم و رجوع به واقعیت**

امیر ابیلی در یادداشت «علیه تهران سانتی‌مانتال!» طراحی صحنه و لباس فیلم ابوالقاسم طالبی را یکی از دستاوردهای این فیلم می‌داند و می‌نویسد: از آثار باقیمانده از علی حاتمی که با وجود ضعف‌های فراوان هرساله مورد تعریف و تمجیدهای اغراق شده قرار می‌گیرند، یکی هم شهرک سینمایی غزالی با لوکیشن تهران قدیم است که به دلیل فضای ستایش‌آمیز بی‌منطق از تمام یادگارهای حاتمی، آن هم مورد تمجید و ستایش دائمی است. دکوری که نه‌تنها در «هزاردستان» خود حاتمی به غلط به عنوان تهران قدیم شناخته شد و در ذهن مخاطب ماندگار شد، بلکه به تمام تولیدات تاریخی پس از خود نیز جهت داد و باعث شد هیچ‌کدام از فیلمسازان پس از خود نیز به واقعیت تاریخی تهران قدیم رجوع نکنند و همین تصویر خیالی دست‌نخورده باقی بماند. «معمای شاه» که این روزها مورد انتقادات جدی است هم یکی از دستاوردهای اعتماد به همین شهرک فعلی و عدم رجوع به واقعیت تاریخ است. تهرانی با فضایی کاملا سانتی‌مانتال و دکوری که هر بیننده‌ای فاصله بعیدش از یک «شهر واقعی» را بخوبی متوجه می‌شود و فاصله‌اش را با اثر حفظ می‌کند و آن را به عنوان واقعیت نمی‌پذیرد. انگار که ۱۰۰ سال بعد تنها خیابان‌های ونک به بالای تهران امروز را به عنوان کلیت تهران دهه ۹۰ قرن ۱۴ شمسی به مخاطب عرضه کنیم. ابیلی می‌افزاید: حالا اما یکی از دستاوردهای «یتیم‌خانه» ایران ارائه تصویری واقعی‌تر از تهران قدیم و عدم اعتماد به لوکیشن تثبیت‌شده این سال‌هاست. تلاش ابوالقاسم طالبی برای ترسیم شهری واقعی از تهران آن سال‌ها و رسیدن به درصد خوبی از موفقیت در طراحی صحنه و لباس قابل تقدیر است.

■ **طالبی ناز نمی‌کند!**

علی جعفرآبادی نیز در یادداشت «رنج‌های ناز نکردن!» کارگردان را محور نقد و ارزیابی قرار داده و درباره ابوالقاسم طالبی نوشته است: «متوسط». این احتمالاً کامل‌ترین عبارت برای توصیف مختصر کارنامه سینمایی ابوالقاسم طالبی است. کارگردانی که اگرچه هنوز « شاهکار» خود را نساخته، اما می‌توان مدعی بود که هر ساخته‌اش از حداقل استانداردهای ساختاری برخوردار است و هرجا رگه‌هایی از ملودرام به اثرش تزریق کرده (از نغمه تا دست‌های خالی)، قدرت متاثرکردن مخاطب را هم داشته است. «معمولی»: این هم احتمالاً تنها عبارتی است که می‌تواند وضعیت طالبی را در پیکره سینمای انقلاب توضیح دهد. او معمولی است و از معمولی بودن رنج خواهد برد، چون قاعده «دلبری» را نمی‌داند. به اندازه برخی دیگر از چهره‌های جریان اصلی سینمای انقلاب کاریزما و سروصدا ندارد، چون هیچ‌وقت دچار «شک» نشده و فیلمی خارج از اصول همیشگی‌اش نساخته، که بعد با هزار زیرلفظی و نازکشی، برای بازگشتش به مسیر تلاش شود. هر چند سال یکبار به سیستم حمله نمی‌کند، و بعد از هر فیلم تازه، با «چپ» و «راست» مصاحبه نمی‌کند تا معلوم شود چه تفاسیر تازه‌ای از انقلابی بودن می‌توان داشت. جایی که باید در نشست خبری فیلمش، به بازیگر زن جوان سینمای ایران حمله کند، حرفش را می‌زند، و جایی که باید از بازیگر فیلم قبلی‌اش حمایت کند، می‌ایستد. برای انقلابی بودن، منتی بر سر کسی ندارد، و به بودن در این مسیر «افتخار» می‌کند. پس جز چند تشکل دانشجویی و نهاد کوچک، کسی سراغش را نمی‌گیرد، چون همیشه در مسیر است و برای ماندنش نباید نگران بود. طالبی برای انقلابی بودنش، گدایی توجه و تجلیل نمی‌کند و کسی که قاعده «دلبری‌کردن و ناز» را نمی‌داند، باید رنج‌های معمولی بودن را به جان بخرد.

■ **نقدهایی به فیلمنامه**

محمد رضوانی‌پور فیلمنامه را مورد نقد قرار داده و درباره آن نوشته است: کوشش ابوالقاسم طالبی برای افشاگری تاریخی و تصویر کردن برهه‌ای غبار گرفته از تاریخ معاصر ایران قابل احترام است اما نمی‌توان به این بهانه از نقاط ضعف فیلم چشم‌پوشی کرد. پرواضح است که یک حادثه تاریخی نه معلول «یک علت واحد» بل محصول شبکه‌ای تشکیل شده از علل و عوامل گوناگون اجتماعی است که تنها می‌توان با نگاهی چندبعدی و به دور از تعصب آن را فهم کرد. فیلمساز اما در روایتگری ماجرای «قحطی بزرگ» فاقد این نگاه است و هرچه در توان دارد گذاشته تا اکثر عوامل و زمینه‌های این حادثه را در فیلمنامه کمرنگ یا محو کرده و انگلستان را یگانه علت تمام بدبختی‌ها معرفی می‌کند. از سوی دیگر این نگاه تک‌بعدی سبب شده تا جزئیات درام در «یتیم‌خانه ایران» گنگ و مبهم به نظر رسد. عوامل مهمی مانند احمدشاه قاجار و وزرایش به کلی از داستان کنار گذاشته شده و عناصری مانند پادشاه انگلستان، میرزا کوچک‌خان، مشروطه‌خواهان، طیف‌های مختلف روحانیان، حکومت‌های روس و عثمانی و... نیز به‌رغم اینکه بعضاً مورد اشاره کلی قرار می‌گیرند فاقد هویت و جایگاه ملموسی در مناسبات جهان فیلم هستند. این منتقد ادامه می‌دهد: در این میان باعث تعجب است که داستان از طریق فلش‌بک روایت می‌شود در حالی‌که «راوی» کوچک‌ترین نقشی در قصه‌ای که تعریفش می‌کند ندارد! گویی او صرفاً دستاویزی است برای آنکه فیلمساز بتواند در سکانس پایانی به زمان حال بازگردد و در آن میزانسن عجیب و غریب تصاویری از موشک‌های ایرانی و ملوانان اسیر آمریکایی در فیلم بگنجاند. انگار اشارات مستقیم و دیالوگ‌های شعاری فیلمنامه، طالبی را از اینکه فیلمش نسخه‌ای است برای جامعه امروز ایران مطمئن نکرده است! در دیدگاه دیگری مهدی خانعلی‌زاده درباره فیلم نوشته است: «یتیم‌خانه ایران» از آخرین سکانس، تازه شروع می‌شود؛ جایی که با نمایش انتزاعی صحنه‌های دستگیری نیروهای دریایی ارتش انگلیس و آمریکا توسط نیروهای مسلح کشور در محل دفن یکی از سلحشوران ایرانی زخم‌خورده از استعمار انگلیس همراه می‌شویم. در حقیقت، اثر جدید ابوالقاسم طالبی را باید در همین سکانس نهایی خلاصه کرد؛ جایی که کارگردان می‌خواهد به مخاطب بفهماند که تمام آنچه در این فیلم طولانی و حدودا ۲ ساعته به نمایش در آمد و احساسات و غرور ملی و عزت درونی تماشاگر را به چالش کشید، دیگر و به دلیل افزایش درک و آگاهی مردم و همچنین گسترش فهم ضداستعماری و ضدغربگرایانه در کشور، قابل تکرار نیست و اینجا همان جایی است که طالبی مستقیماً در چشمان مخاطب خود نگاه می‌کند و به صورت عریان و بدون تعارف، فریاد می‌زند که «ایران دیگر یتیم نیست». توجه به این مساله بسیار مهم است که نباید این صراحت فیلم در بیان هدف خود را به نقدهای فنی نظیر «شعارزدگی» تقلیل داد. ابوالقاسم طالبی کاملاً آگاهانه دست به طراحی اغراق‌شده سکانس نهایی زده تا دستاورد سکانس‌های دردآور و خشم فروخفته تماشاگران از تحقیر تاریخ کشورشان توسط یک کشور دیگر را هر چه ملموس‌تر روی پرده نقره‌ای سالن سینما عرضه کند.

■ **«یتیم‌خانه ایران» یک اسم سینمایی نیست**

تبلیغات نامناسب به اعتقاد برخی یکی از اصلی‌ترین دلایل فروش پایین یتیم‌خانه ایران است. محمدرضا تاجداری با انتقاد از فضای حاکم بر تبلیغات این فیلم می‌نویسد: فروش فیلم سینمایی «یتیم‌خانه ایران» پس از نزدیک ۵۰ روز نمایش، هنوز به مرز یک میلیارد تومان نرسیده است. شاید تعداد اندک سالن‌های پخش این فیلم در سینماهای کشور، یکی از مهم‌ترین دلایل این فروش کم باشد. اما طالبی دلیل فروش کم فیلمش را ذائقه مخاطبان ثابت سینما می‌داند: متاسفانه اینگونه فیلم‌ها از سوی جامعه سینمایی مورد استقبال قرار نمی‌گیرد و سینماروها بیشتر دنبال فیلم‌های عاشقانه و رابطه پسر و دختر و آثاری که به تمسخر احکام دین می‌پردازند، هستند. البته فیلمساز به این موضوع بی‌توجه است که اثرش از تمام ابزارهای کشیدن مخاطب به سالن سینما اعم از سوپراستار، جایزه جشنواره‌های معتبر بین‌المللی، موضوع طنز و سوژه ملتهب و جنجال‌برانگیز بی‌بهره است. حتی در این بین عده قلیلی به خاطر «قلاده‌های طلا»، «یتیم‌خانه ایران» را نیز تحریم کردند! اما با تمام این اوصاف، بازهم یتیم‌خانه می‌توانست به فروش قابل قبولی دست پیدا کند اگر تهیه‌کننده و پخش‌کننده و کارگردان، وظیفه خود می‌دانستند که برای فروش بالاتر، به جای ایراد گرفتن به سینماروها اقدامی عملی برای تبلیغات و کار رسانه‌ای بهتر در جهت جذب مخاطب هدف فیلم انجام دهند. اقدامی که به عنوان مثال سازندگان انیمیشن «شاهزاده روم» تاحدودی انجام دادند و پنجمین فیلم پرفروش سال ۹۴ لقب گرفتند. درحالی که «شاهزاده روم» هم از معیارهای معمول فروش بالا بی‌بهره بود. اما یافتن مخاطب هدف و تمرکز صاحبان فیلم روی مدارس باعث شد که به فروش بسیار خوبی دست پیدا کنند. یاسر فریادرس نیز «عنوان فیلم» را مورد انتقاد قرار داده و معتقد است «یتیم‌خانه ایران» یک اسم سینمایی نیست. این منتقد می‌نویسد: اسم یک فیلم گاهی آنقدر مهم است که می‌تواند به تنهایی بار چندصد میلیون فروش بیشتر را به دوش بکشد. «یتیم‌خانه ایران» اما اینچنین نیست. کارگردان هر چه در فیلم برای خلق قهرمان تلاش کرده است مخاطب غریبه با قهرمان را با خودش همراه کند، نام فیلم روی پوستر منجمد آن، سهم بزرگی از این تلاش را هدر داده است. حتی اگر اهالی خیابان و عابرهای مشتاق سینما، تصویر درشت علیرام نورایی را در شمایل یک قهرمان روی سردر سینماها ببینند، بار منفی نام «یتیم خانه ایران» آنقدر زیاد هست که آنها را نسبت به نشستن روی صندلی سانس‌های این فیلم بی‌رغبت کند. اگرچه تلخی فیلم و روایت غمبار ابوالقاسم طالبی از برهه فراموش‌شده تاریخ ایران، مخاطب را بعد از تماشای فیلم قانع می‌کند که «یتیم‌خانه ایران» نام درستی است اما کارکرد یک اسم سینمایی باید قبل از دیده شدن فیلم و در مرحله کشاندن مخاطب به سالن سینما باشد نه پس از آن. اسم خوب باید مخاطب را برای دیدن فیلم حریص کند؛ حالا اگر فضای فیلم به تلخی یتیم‌خانه‌ای به وسعت ایران است و تلنگری برای یک عبرت تاریخی، این مضمون باید در چهره مخاطب پس از بیرون آمدن از سالن فیلم پیدا باشد نه قبل از خرید بلیت. مردم فیلمی که غم و مصیبت بزرگ‌ترین ویژگی نامش است را برای گذراندن لحظات فراغت خود انتخاب نمی‌کنند.

■ **یک سینمای استراتژیک**

محمدرضا کردلو نیز در یادداشتی تلاش ابوالقاسم طالبی برای ورود به سینمای استراتژیک را قابل تقدیر دانسته و درباره این موضوع می‌نویسد: شاید صحبت کردن از سینمای استراتژیک در محافل و جمع‌های سینمایی انقلاب به یک رویه تبدیل شده باشد و تا حرف سینمای فاخر می‌شود، کسانی باشند که «حرف»های زیادی درباره آن داشته باشند. اما در «عمل» نه نهادهای حاکمیتی و نه نهادهای غیرحاکمیتی، نه نهادهای متعهد به انقلاب اسلامی و نه نهادهایی که از سینمای ملی و میهنی سخن می‌گویند، هیچ‌کدام دارای فعلی درخور و قابل ارائه در این حوزه نیستند. سختی کار، ترس از مارکدار شدن، ترس از عنوان سفارشی‌ساز و سختی یافتن سوژه‌های بکر و تبدیل آن به قصه‌ای دراماتیک می‌تواند از توجیهات جمع‌های سینمایی برای کار در حوزه سینمای استراتژیک باشد. در این میان کمتر از انگشتان یک دست، فیلمسازانی را می‌توان یافت که هم انقلاب اسلامی و مباحث ملی و میهنی برای‌شان مهم است و کار در آن حوزه را جزو تعهدات نانوشته خود می‌دانند و هم در سطحی قابل قبول از توانایی تکنیکی آن برخوردارند. آنها طرف حساب خود را ارگان‌ها و نهادهایی که فقط حرف می‌زنند نمی‌دانند و بدون اینکه ادعای سینمای مماس با منافع ملی را داشته باشند، آن را به معنای واقعی دنبال می‌کنند. یافتن سوژه‌ای بکر و کمتر پرداخته‌شده و تبدیل آن به سینما، آن هم از دل تاریخ غبار گرفته‌ای که از کتاب‌های درسی هم جفاکارانه حذف شده است، کار هرکسی نیست. ابوالقاسم طالبی و «یتیم‌خانه ایران» فارغ از قوت و ضعف‌هایی که در همه کارهای سینمایی هست، از این منظر قابل تقدیرند.

نگاه

چرا اقدام اخیر هاشمی درباره شجریان واقعی نیست؟

تنها «توقیف» کارنامه شجریان در دولت هاشمی ثبت شد

آقای هاشمی‌رفسنجانی اخیراً ۲ حلقه انگشتری به محمدرضا شجریان استاد آواز ایرانی و همسرش هدیه کرده است. ایشان نسخه‌ای از کتاب‌های خاطرات خود را هم فرستاده و در هامش یکی از آنها نوشته است: «آثاری که آفریده‌اید هیچگاه فراموش نمی‌شود»؛ این اقدام پیام‌های روشنی دارد. به گزارش تسنیم، عبدالله عبداللهی در یادداشتی درباره این اقدام هاشمی‌رفسنجانی نوشته است: مهم‌ترین مدعای این حرکت، «هنر و هنرمنددوستی» و نگاه داشتن جانب «آزادی» توسط آیت‌الله هاشمی است. این یادداشت می‌افزاید: مطلع نیستم علیرضا رجایی، فرستاده آیت‌الله هاشمی، کدام جلد از کتاب‌های خاطرات آیت‌الله را به خانواده استاد شجریان داده اما احتمال قریب به یقین در هیچکدام از آنها نامی از شجریان وجود ندارد؛ اساساً آیت‌الله هاشمی در تاریخچه زندگی خود تلاقی و مراوده مهمی با استاد شجریان نداشته، غیر از یک مورد که یادآوری آن به هیچ‌وجه نمی‌تواند برای شجریان و خانواده و دوستدارانش خوشایند باشد و تصویر مثبتی از آیت‌الله هاشمی برایشان بسازد. تلاقی یادشده به تنها آلبوم توقیفی محمدرضا شجریان در ایام پس از انقلاب اسلامی مربوط است. استاد نامدار آواز ایرانی فقط یک بار توقیف آلبوم را در تاریخ پس از انقلاب تجربه کرده و آن هم مربوط به دوران دولت‌داری آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی بوده است. این یادداشت به تعطیلی کنسرت قاصدک -که با همکاری شجریان و مشکاتیان اجرا می‌شد- در دوران دولت‌داری هاشمی‌رفسنجانی اشاره کرده و می‌نویسد: شجریان بعد از انقلاب اسلامی ده‌ها(حدود ۷۰) آلبوم منتشر کرده که اولینش سپیده و آخرینش طریق عشق است که ۲ ماه پیش (مهر ۹۵) رونمایی شد؛ در طول سال‌های

پس از انقلاب نه تنها هیچ یک از کارهای ایشان به محاق توقیف نرفت بلکه صداوسیما هم به طرز چشمگیری آواز و تصنیف‌های شجریان را- تا پیش از نامه خود او و درخواست عدم پخش کارهایش- پخش و او را تبلیغ می‌کرد تا جایی که حضور او به عنوان میهمان ویژه‌برنامه تلویزیونی لحظات حلول سال ۱۳۷۳ شمسی با اعتراض دوستان آقای هاشمی در روزنامه جمهوری اسلامی هم مواجه شد. چند صباحی بعد از اعتراض روزنامه جمهوری، دولت آقای هاشمی اولین توقیف را در کارنامه شجریان ثبت کرد. کنسرت «قاصدک» که با همکاری شجریان و مشکاتیان و با حضور همایون شجریان (آن زمان به عنوان نوازنده تنبک) برپا شده بود، پس از یکی، دو اجرا با فشار دولت وقت تعطیل شد و آلبوم قاصدک نیز هیچگاه امکان انتشار رسمی در ایران نیافت. از آن زمان تاکنون هیچگاه دلیل این نوع برخورد با قاصدک شجریان اعلام نشد اما به صورت غیررسمی گفته می‌شد وجود بیت «جماعتی که نظر را حرام می‌گویند؛ نظر حرام بکردند و خون خلق حلال» از سعدی در یکی از آوازهای شجریان در این کنسرت و نیز سیاه‌نمایی اوضاع کشور باعث مواجهه سخت دولت هاشمی با او شده است؛ بعدها شجریان همین آواز را که با مطلع «جزای آنکه نگفتیم شکر روز وصال شب فراق نخفتیم لاجرم زخیال» اجرا می‌شد، با حذف بیت مورد اشاره در کنسرت «رسوای دل» در امارات در دستگاه سه‌گاه خواند و البته این بار منتشر شد! در بخش دیگری از این یادداشت پس از اشاره به موارد دیگری از توقیف در دولت هاشمی‌رفسنجانی، تاکید شده است: مدعای پس‌زمینه اقدام اخیر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، یعنی مؤانست او با شجریان و شجریان‌ها، نسبتی با واقعیت ندارد.

رویدادها

«شب شاعر» سی‌ویکم ویژه شهید احمد زارعی

سی و یکمین «شب شاعر» ویژه شهید احمد زارعی با حضور چهره‌های ادبی و فرهنگی برگزار می‌شود. به گزارش فارس، در این مراسم که روز دوشنبه ۲۹ آذر ماه از ساعت ۱۵ در نخلستان سازمان اوج برگزار می‌شود، چهره‌های سرشناس ادب و فرهنگ کشور نظیر علیرضا مختارپور، محسن پرویز، جواد محقق، محمدرضا سنگری، علیرضا قزوه، علی محمد مودب، فیروز زنوری جلالی، حسین اسرافیلی، مصطفی محدثی خراسانی و... به پاسداشت مقام ادبی شهید شاعر احمد زارعی خواهند پرداخت. گفتنی است آیین پاسداشت چهره‌های ماندگار ادبی کشور «شب شاعر» در مراسم گذشته خود از بزرگانی نظیر محمدحسین جعفریان، مرتضی امیری اسفندقه، استاد کلامی زنجانی، ناصر فیض و... تقدیر کرده است.

■■■

ادامه اکران «محمد رسول‌الله(ص)» تا جشنواره فجر

اکران دوم فیلم «محمد رسول‌الله(ص)» با اقبال بسیار خوب مخاطب مواجه شد و نمایش آن تا بهمن‌ماه ادامه می‌یابد. به گزارش فارس، محمدرضا صابری مدیرعامل دفتر پخش نورتابان درباره اقبال مخاطب از فیلم «محمد رسول‌الله» گفت: اکران دوم این فیلم از ابتدای هفته وحدت آغاز شد و با اقبال بسیار خوب مخاطب مواجه شد. با استقبال مخاطبان سانس‌های پردیس کورش افزایش یافت و هم‌اینک در ۳ سانس ۱۱ صبح، ۱۵ و ۱۹ به نمایش درمی‌آید. وی ادامه داد: استقبال کم نظیر مخاطب باعث شد تا به این تصمیم برسیم که فیلم تا زمان برگزاری جشنواره فیلم فجر همچنان در پردیس کورش نمایش داشته باشد. صابری در ادامه توضیح داد: فیلم سینمایی «محمد رسول الله(ص)» ابتدا در تهران به نمایش درآمد که بلافاصله مشهد هم اعلام نیاز کرد و در سینما هویزه مشهد هم فیلم به نمایش درآمد. بعد از اقبال مخاطب در مشهد این فیلم در شیراز هم به نمایش درآمد. بنابراین گزارش، فیلم سینمایی «محمد رسول‌الله(ص)» در سال‌های اخیر تنها فیلمی است که در سینمای ایران به اکران دوم رسیده و با اقبال هم مواجه شد. اکران این فیلم در سینماهای ترکیه، آذربایجان، داغستان و بغداد همچنان ادامه دارد.

■■■

رونمایی از چاپ نفیس قرآن کریم با ۴ ترجمه کهن

آیین رونمایی از چاپ نفیس قرآن کریم با ۴ ترجمه کهن فارسی با حضور حجت‌الاسلام محمدی دبیر شورای توسعه فرهنگ قرآنی کشور، غلامعلی حدادعادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و دیگر قرآن‌دوستان در محل موزه هنرهای دینی امام علی(ع) برگزار شد. به گزارش فارس، در این مراسم غلامعلی حدادعادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی گفت: علاقه مترجمان کهن به برگرداندن کلمه به کلمه به زبان فارسی یقیناً بیش از علاقه امثال بنده و شما بوده است؛ علتش این است که آنها از زمانی شروع به کار ترجمه قرآن کردند که هنوز آمیزش زبان فارسی و عربی به صورت امروزی اتفاق نیفتاده است. وی افزود: یکی از وظایف ما در حوزه زبان و ادبیات فارسی، امروزه توجه به گنجینه‌های قدیمی است که به برکت ترجمه قرآن برای ما به یادگار مانده‌اند؛ قبل از انقلاب کارهایی در این زمینه صورت گرفت و حتی در دوره قاجار، تفسیری مانند ابوالفتوح رازی یک سال قبل از درگذشت مظفرالدین شاه به چاپ رسید.

■■■

نقش متفاوت جواد عزتی در «ماجرای نیمروز»

بازی جواد عزتی در پروژه سینمایی «ماجرای نیمروز» به کارگردانی محمدحسین مهدویان آغاز شد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، گروه تولید فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز» هم‌اکنون در دهکده مقاومت مشغول گرفتن سکانس‌هایی از فیلم هستند و تاکنون بیش از ۷۰ درصد از فیلمبرداری به پایان رسیده است. همچنین تدوین فیلم توسط سجاد پهلوان‌زاده به طور همزمان ادامه دارد. جواد عزتی در «ماجرای نیمروز» در نقشی کاملا متفاوت جلوی دوربین رفته است. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: در محله‌های پرآشوب تهران، در پیچاپیچ خیابان‌ها و کوچه‌ها و در پستوی خانه‌ها سرگردان و حیران. آیا این جست‌وجو را فرجامی هست؟